انوری و زن ستیزی و ممدت شعر و شاعری
مريم اسماعيلي

چکیده
انوری خاتم شاعران فرن ششم هجری است و در فن قصیده سرایی یکی از سه پایام شعر قب
می‌دهند. ماهیت شعر انوری هم‌ریزه مربوط از عناصر ضروری شعر و شاعری است. این دو ادبیات و
احساس و تجربه آنها قدم گذرانده است. اشعار ایزدی با حواض سیاسی و اجتماعی روشن و اشکال
روزگار او به گونه‌ای منطقي است که می‌توان رده‌ای جریان‌های اجتماعی تاریخ را در شعر او به
صورت ملموس مشاهده کرد. از جمله انتخابات اعیان در تاریخ علوم سیاسی در ساختار شعر
انوری به گونه‌ای دو گونه تماشایی، یکی رسالی و دیگری نگاره‌ای در قصیده و دیگری زبان طبیعی تماشایی
در قطعه و گزش می‌پردازد. او از محدود شاعری است که با یک کارگیری این دو فن ساختاری در
اشعار خود صاحب سبک خاصی گردید.

کلمات کلیدی: انوری، زن ستیزی، ممدت شعر و شاعری

مدتمه
در مبان همه ملیت‌ها زبان و لغات شاعر ایرانی برندیکر و تاثیر گذارتر است. چون به روح و وجود
انسان سروکار دارد، جایگاه خاصی برای ملی دارد و وضعیت ویژگی برای صنایع مفاهیم و
ارزش‌ها و افکاری دارد که شاعران به آن رسیده و برورانده‌اند. اما در خصوص به کارگری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران:
Esmaili.maryam2000@yahoo.com

تاریخ دریافت: 98/03/20
تاریخ پذیرش: 98/04/06
www.SID.ir

www.SID.ir
ادبیات فنی در اشعار می‌توان گفت: ادبیاتی که شاعری با توجه به مکلیفی‌ها، اخلاق در فنون کلام، آثار ادبی، تحلیل قوی و علمی و فنونی که به آنها احاطه دارد می‌تواند اشعار خود را از سادگی و پیشرفت در آورد و با ادامه و ترکیب‌های نازه بیاراید. در این میان دیوان سرایده نامی حکم اوحادلین، اثری ایسوردی، از جمله دواویینی است که هم شامل معنی و مضمونی می‌شود و هم احترام بر عهده منتقل را دارا می‌باشد. تا درست و جزئیات و استحکام در آثار و قابل مشاهده است كه کلام در عین روانی فشنده و پرما و جمله در ادب فقیر و مهکی می‌باشد. در دیوان انتوری به‌دوه نوع ساختمان شعری مواجه می‌شویم. یکی بخش‌ی از اشعار از که از ترکیب کلام محاوره‌ای، گونه‌های مصوب و تنفیذ‌روبرو می‌شویم که برای افکار زمینه‌ای تعمیق پیش‌تری را به جا می‌گذارد و آن، این است که انتوری به صرف اینکه عذر را پذیردی، بخشی شعری بادی به همین‌می‌باشد، محیط شعر باران بوده، منبناهای گوهرگر ناشده استفاده از صنایع نظیر و جایگزینی‌منی بسیار در لصف اندک، امله‌ریز، تضمن حضوری نبوده، در برداشت مفهوم علمی و استفاده از معنایی قرآن، سبب گردیده که سادگی و صرحت‌بر با برخی ایبایت‌ها ویگانه‌شیونده و از راه‌ریزی شاعران منتصب قرار دهد.

انوری و زنستی

یکی از برنجسته‌ترین نمونه‌های اجتماعی که موج‌بر نشر و انتقال نوع اندیشه و پایو در میان افراد یک جامعه فرام می‌سازد فرهنگ است که به نوعی‌های خود از ادبیات‌های هم‌امکانه انتخاب‌شده و به‌طور مقدماتی می‌گردد. به ویژه اینکه اگر توصیف برخی از افراد بلند‌آوازه نیز به کار گرفته شود با گذشت زمان به صورت اگلیو مندال و همین‌گیر در میان افراد به کار می‌رود.

www.SID.ir
فصل نهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۸

پرحسب نمونه‌های در ایران، متغیر بر یک سری فرهنگ و آمیزه‌های بومی و غیربومی صورت گرفته و پس از آن را پاییز از این عملکرد در ادیب‌های نیز کشیده شده است و در قالب رفتار ستی در آهه عموم شکل گرفته است.

در اینجا این متن به برخی از اشعار نویسی اشاعر کرده که علاوه بر ملاح زن دارای رویه‌های زن سیاه و زن گریز و حتی ضد فنیست بوده‌اند از جمله این شاعران احداثی اثری نیز چون خلاقان در دست‌های شاعران زن سیبل قرار دارد.

انوری در چندین جای از دیوان حضرت گریز و ازدواج را متفکر قلمداد کرده و آن را سرفاً به جهت بر آرزو کردن امواج نفیسی می‌دانست.

»کانپ‌دن روزگار زن کنگردن به جز از محض قلبانی نیست.

(تاریخ: ۱۳۷۳: ۵۳۹)

از نظر اثری زن موجود است که متعلق به جلودی گری و درخشندگی می‌شود و زن را هم چون ابری می‌داند که سایه‌ای خود را بر ماهیای وجودی مرد می‌گستند و مانع از نمایش شدن استعدادهای یک مرد می‌شود.

زن چون بی‌نیست و مرد چون ماهست می‌رود از تگ‌کی زیبای بی‌سود:

(سال: ۱۳۹۷: ۱۷۷)

از دیگر مواردی که اثری برای سیاست‌های زن بدان پرداخته استفاده از نمادپردازی‌های فارسی است. به عنوان مثال حسی در زمانی که اثری از جوهر و ستمن فلکی به میان می‌آورد به گونه‌ای آن را به زن پیوند می‌دهد و آسان و فلکی را چون مرادی می‌دانند که هر دو جوهر و ستمن را برای زمین کنده، دایه‌دهر نپدیور کسی که نخورده بینی ای دوست که این داایه چه بی‌مهر و غافله! 

(تاریخ: ۱۳۷۳: ۱۹۹)

از زمان به چه زیادتر بی‌رسی نمی‌توان برد که مادریست فلک بر نبای خوش‌نگاهوی

(سال: ۱۳۹۷: ۲۱۵)

www.SID.ir
اگر بخواهید در مورد نگرش این گونه افراد از زن و حقوق او، دیدگاه‌های بایوپی از نظر گفت
که زن در ادبیات ایران نقش واقعی خود را ایفا نمی‌کند یا به گونه‌ای که آرمانی بدان ترکیبیه
می‌شود و یا به صورت زنی حفظ و ناقص، همان گونه که در طول تاریخ ادبیات، زن آن گونه باید
وجود خارجی ندارد و در حاشیه قرار گرفته و سرگرم به کارهای پیش و با افتاده از قبیل مکر و
فریب‌گذی و چسب توجه می‌باشد و هر چا سخن از بزرگی و داشت و شکوه باشد بی شک، صحت
از مرد و آنان مردانی است البتا آنچه می‌بینه است و بر این گفته می‌تواند صبح گذاران این است
که نوبت‌نبرد گان این گونه اشاعر با واقع تاریخی مردان بوده‌اند.
از میان اشعار زن مستیانی اثری بیک بیت از کوئینده بینی ابی‌که یکی مزو تاریخی کردن زن
پیان کرده، این است که یکی نامعلوم بی‌نظری مردان را در بریاب بهترین زنان ارجحیت می‌دهد و
با این نوع نگرش خود را در سرمردانیان ضد فنی‌یست نمایش دهد.

"بدرترین مرد انداد آن‌ها مسلم
به به هنر زن‌دان دریغ بوده؛
(همان:۲۸۳)
در اینجا سوالی که به ذهن خطرات می‌کند این است که چگونه ممکن است کسی که زن مستی بیان
پتانان خود را راضی کند تا قلم در مدخل زنی بررسی و اشعار زیبایی به رنگی تحکیم در آورد و در
صدای ملی یا دیوان خود بیان اصطلاح جمعیت، می‌توان به غیر از آرامی و در قابل مدخل بهدازد
و حتی اوی فضای همه نزاکت آدام نبایست.
"آی فَخْرُ هَمَّه نَزَاد عَالَم
ای سَهَّبَادَات زَنَان عَالَم"
(همان:۲۸۴)
و همچنین مدقیق زیبایی را به منظور عیادت از وی و نشان دادن تاثیر خوشی از عارضه‌ای که برای او
پخش آمد سپراید.
آنچه که مورد توجه بی‌خیاب این است که تریفکر اثری بی‌پرداز جام اختم تمامی شود و او در ادامه
مردانی را که به مه و محبت زنان دل می‌سپارند محکوم به مرگ می‌دانند.
"هر چه او ادله نه‌ده، به مهر زنان گردن‌ها سِرِّزاي نَزَغ بِدُود"
(القری، ۱۳۸۷:۵۷۷).
www.SID.ir
فصل نامه اورمزد، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸

و نسبت‌هایی را در قالب پن‌دی برادرانه برای مخاطب حواد می‌پیچد و او را به پروری از اصول و قانون زندگی خویش فرا می‌خواند.

ای برادر پن‌دی مبنای تغییر خوافی صلاح در معما خویش بر قانون من کن یک مدار
زن نخواهد هیچ مرد با تمیز و هوشیار

(همان: ۱۵۸۵)

حال آنکه حواد در سرتاسر غزیتی‌شان دائمًا در فراق معنویه حواد لب به سخن گشوده و از عشق و خلقت و انظار در آغوش کشیدن محیب حواد می‌گوید و با استثبات انکاری حواد جواب حواد را می‌دهد که کی می‌توان در برای معنویه خویشنش داری کرد:

تا بود در عشق آن دلبر گرفتار مرا
کی بود ممکن که باشد خویش‌نش داری مرا

(همان: ۱۵۸۷)

به همین صورت بار دیگر در دیوان اوری به یک سری ضد و نقض‌ها برخورد می‌کنیم، یک جا لب پار را هم چشم‌های آب حیات زندگی خویش‌منی می‌داند و با رسیدن به آن خواد را در ورطب فراق می‌بیند.

«به آب چشم‌های جوان حیاتی انوری را ده گه اندرو عشقی بکشیتی زین هوس می‌رانی؟

(همان: ۱۵۹۱)

و در جایی دیگر در مذکت زن، به‌پان الهی عقیده بسگی را را می‌کنیم و آن را همچون جراحی می‌پندارد که طای طلاق موترن‌ترین تربیت و پیاده‌برای آن می‌باشد.

می‌کوشیم چون برودت
ای به حرف و رادار‌م‌د طلاق
هیچ تربیت به‌ز طلاق می‌کنیم

(همان: ۱۵۹۹)

انوری با بیان این ایناب در نه‌کودح ازدواج نه تنها زن مسری حواد بلکه خصوصیتی از خاصیت مردانه را که همانان نوع طلی را باشد، به طور واضح بیان می‌کنند که را که خواد می‌گوید:

www.SID.ir
روز و شب دو زندگی خصوصی و نامدار در مورد اموری که او را مقتید و پایبند می‌کند دوران نگرفته و هر که سابق جلعاد بخشنده و زندگی خود و جوان افراد خوش‌گذار در بی معناد است. در غیر این مرحله بخشنده از این گروه حاضری و کام موردی و زندگی می‌کند که حکم‌دارند در دستان مردان است و توسط آنان به ریزش و سرپرایی طبیعی می‌نماید و این گونه در تفکر و لعاب فکری و نگرشی پرورانده شیوه‌که مرد نماد عقل است و زن نمادی از نفس و در تجربه روحیه‌گی برجون مرد بر زن را به ذهن می‌باشد می‌سازد.

اشعار زن سیزدهمی شعرای دیگر:

سنده:
«زن نو کمی دوست هر نه‌بیار که تقویم باری‌یابد به کار»
(سنده، ۱۳۸۳.

شیخ محمود شیری:
«زن نه ناقصس‌س عقل و دین‌اند»
(شیری، ۱۳۸۵.

انوری و مدرم شعر و شاعری

از جمله سوالاتی که به خوانندگان دو اثر انوری ذهن را به سمت خود مطلع می‌دارد این است که جهانی بودن رنگ‌شیری که به جلوه این دیدگاه و همچنین سالیان از عمر خود را که صرف یادگیری علوم مختلف کرده است به سمت شاعری روند آورده، با نگاهبه به شربت کننده و اشاره او می‌توان همچنین که از جوانی پیشرد را از دست داده و شروع می‌شود با او به ارث

www.SID.ir
فصل نامه اورمزد، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۸

برهه است و آن ثروت را در امور عیانی و حوش گذرانی مصروف داشته و پس از گذشته مدتی تهیه می‌شد و از روی ناجاری به شاعری و مداوم‌های امر و سلسله‌بندی پرداخته است زیبا که او شاعری را و وجود داشتن تصحیبات بسیار در علم متداول عصر شغلی پی از شغل قلمداد می‌کرد.

وی به جهت گذشته زندگی و شناسی ناشی از قد و تناگستی و از طرفی و چون می‌دانست که پیش‌های شاعری مورد توجه سلطانی است و شعری می‌تواند از این طریق به اشتهار و ترویج دست می‌یابد.

همان که که رودکی بر اثر شعر دوستی و شاعری‌نوازی ایمیر تصریح احمد سامانی به صلات هنگامی رسید و دل به شاعری بست و کافی بلند پارسی را بیان‌داده و استاد شاعرانش.

بنابراین با وجود علاطفی به شعر و پست شیرین این حرفه، علی رغم میل خود بدان روش آورده و همان گونه که در دیوان او دیده می‌شود به‌خلع اعظم سروده‌ها ی‌اش را به مسجد سلطانی و امرا تخصص داده، در حالی که خود آنها را اشعارهای باطل می‌دانند که کمتر مصرفی هری و اجتماعی دارند، (شُهی کدکی، ۱۳۷۲:۵۱).

با یاد این مطالب از اناوری می‌توان یکی دیگر از مباحث مطرح شده در دیوان این شاعر را که مدتی از شعر و شاعری است مورد دقت نظر قرار داده که این شعر جای تأثیر و عدم لغت‌نامه بیشتری را در سراسر ادبیات و می‌طلبد تا بی‌طرف بمانند که دلیل بیست انجاگشت شاعری از دیده‌گاه او چه بوده است.

در دیوان اوری به صورت جهتی و گنبدی نظرات و آراء و را در باب شعر و شاعری می‌توان ملاحظه کرد. بر حسب خوده در یکی از تصاویر خود که به مدتی از شعر و شاعری پرداخته سعی داشته تا درگاه خود را از چارچوب شخصی بودن بیرون بیاورد و از منظر جامعه‌ای اجتماعی و بنگرد تا بن این موضوع بی‌بیه که وجود و عدم وجود شاعر در اجتماع آینه تأثیری در روند نظام اجتماعی در عصر دارد؟ آیا نوره این حرفه می‌توانند خلق در این نظام وارد کند؟ به همین منظور نگاه خود را به صورت مشاغل دیگر، چون باندی و زراعت گردانند و حتی کسانی را با وجود پایین بودن چاپ‌ی اجتماعی، لازم و ضروری می‌دانند و کمپیوتن تکنیک از آنها را در اجتماع به ادانا در باعث ایجاد علت در آن جامعه می‌دانند و با خود می‌گویند اینک شاعر باشد پا به همین ضروری ندارند و بود و نبود آن به یک اندازه مؤثر است و کالایی شعر جز در دیوان‌های پادشاهان و

www.SID.ir
امیران آن هم برای محل‌سازی طرح و شادی و ماندگاری نام ایشان در تاریخ خریداری ندارند و با بیان
اینکه آدمی از ذهن كامیک به نان و نواپی برای بهتری از اینکه شاعری دیگری خوش کند. نگاه
سخن منتقدان به این حرفه می‌برد و آنها را مورد خطا قرار می‌دهد که شما چه کاراپید که
توق عارف مردان تمام تازه‌های شما را از تعلیم تنگ شست در آنگشتی بر آورده کنند (دمای درکی)
۱۳۷۶:۱۲۶.
تو جهان را کمیشی تا تا موضع کار تو
رست می‌مانند از تعلیم تنگ شست.
(نشریه، ۱۳۷۷:۳۷۷.)
ابن اقامه اوری به یکی نیم شود و در برخورد با کسانی که خود را شاعری می‌دانند و
مطابق با طبع فروپاها خود را روی طبع و برای تقرب جست به دستگاه پادشاهان و به دست‌آوردن
متنای و هر چند ناجی نهضه شعری را مطرح می‌کند، به لحاظ وحدار آن‌ها را مورد نکوهش قرار
می‌دهد و از حساب‌های و بخش آن‌ها نیست به یکدیگر مسخن می‌گوید که چگونه برای اینکه هر یک
شعرش یکی از دیگری به طبع نیست با الفاظ تحت یکدیگر می‌افتد و چون گرگ که یکدیگر را
می‌درد و در نهایت مسخن به‌هده و گزاف خود را با عنوان حکمت نام می‌نهد.

عک‌سازی طرح شعر آوردن‌سدن
قوی‌ست در حیص و بخش گنده‌دی خویش
پر خرفان‌ها زیر نه‌زه‌دی خویش.
(نشریه، ۱۳۷۶:۵۷۵.)

امیری در پایس به این اشخاص به ظاهر شاعری می‌گوید: اگر کسی بیان کند پیت می‌توان
به سال و جایی رسمی نه این دیگرها یا خود می‌کنند که با چنین، به چنین این‌ها یا خود، به هر شعر
بگوید، بدین‌ها که در این زمان، هر سبکی به شاعری براین بی‌پایین، به ایمیل، اینکه از قبل آن شعر با یادداشی
از جانب ممنوع‌هان، دست یابید در این راه یابید، چنین چنین نا باز از ملاح‌های خویش قرار دهد. یکی
دیه خضر و نامت قانون و دیگری، تاریخ‌تر و زندگی تاریخ‌تر است.

اندین عصر هر که شعر برد
به ایمیل صلح بر مود.
چون آیت‌پای‌دش و نه
گرد از رنگ فم، دلش مجرور.

www.SID.ir
فصل نامه اورمژد، شماره ۷۷، تابستان ۱۳۹۸

دانش خضطر و تعمیم قوانین

محققان

۱۳۹۸

با گمان‌بر این توصیه‌ای انری افرادی که صرفاً چه تعدادی می‌خواهند در این عرصه مسئول کنند، می‌توانند همکاری که یکی از دلالی که انوری خود را در مدتی از شاعری بر حق مناسبی به سختی و با افتخاری بوده است چنان که در این باره

گهر شعر در مسار می‌پیشاندی

از مکتچان بک صلله فرستنادی

(انوری، ۱۳۷۸:۷۰۴.)

با توجه به به مدتی از شعر و شاعر در دیوان این شاعر آنچه در این میان بجای گذاشته و وجود رگ‌هایی از تناقض را در شعر انوری به وضوح بیان می‌دارد، و شاعری می‌باشد یک آنچه که یکی از نگرانی‌های او این بوده که با وجود داشتن ذهن و زبانی فضای و را تنها یک شاعر بدنی که صرف دریافت صلح اشعاری را در قابلی به تحریک در آورده و در این مورد در

فقطه شعری بیان کرده که:

غصه‌ها دارم ز نقصان از همه نوعی ولیکن

زنیکی آویز که زندیکت تو مردی شاعری

(انوری، ۱۳۷۳:۲۱۴)

عقیده‌ای انوری بر این است که شاعران به نوعی به سرودی شعر دارند و در این عمل در پیش او به نوع خود گذایی و تکنیکی محسوب می‌شود. حال آن چه در این جا به عنوان سوال مطرح می‌گردد این است که چرا انوری خود را از زمره این شاعران جدا می‌دانسته دانسته در حالی خود نیز از این طریق امرار معامله می‌کرده. به عنوان نمونه در قطعه شعری که در قابل

مدح برای ابوالفتح طاهر نوشته بیان کرده او پس از تعیین و محض‌بندی بیسناری آنها را به

عنوان یک زمین‌سازی و مقیمی بیا برای بیان در خواستن خود نوشته و به کار برد و پس از آن خطاب به ابوالفتح طاهر می‌گوید: گمان مبر در این شعر که در مدرح شما سروده‌ای برای بروآوردن

نیاز خود از جانب شما بوده چند که راه و روش شاعری به نوعی گذاشته می‌باشد.
در یکی از مداخلات خود در طلب برده‌ی زر از عمدی مخلص دستان پرداری می‌کند. بِنین صورت
که برای شروع کار صحبته پرداری خود، با ظرافت هره چه تمام‌تر از یک روز عادی سخن می‌گوید
و ذهن خواننده را همراه با خود، با دستان در گیر می‌کند و از حرکات و سخن‌های کننده
در حجره مغازه می‌گوید و جمله این‌گونه گفته شده‌است: «آینه‌ای از کارکرده‌های
اصلی دستان و مطرح ساخت‌های دخواستی از زبان آن کِبَرگ،
روند اصلی دستان را در قالب شعر مدح پیش می‌برد و در نهایت جاریِ اصلی کار خود را با یک
ترفند ذکر می‌کند.»

برای پاسخ دادن به این سوالات در مورد انتزاع ابتدایی باید به یک شاخه از ناحیه‌ی نگرش و
انگیزش و ایمیل و تمایلات او رسید که در اینجا با در نظر گرفتن مواردی از نوآوری و انگیزه و
همین طور وجود ناقص در کلام از ترک می‌توان گفت که قرار گرفتن این افراد تا حدی واقعی
و عقیدتی کنار یکدیگر در نهایت ما به سمت می‌برد، در روان شناسی می‌دهد که تحقیقات یار
توضیح زیگموند فروید مطرح‌گرده و آن مبحث «فراکته» می‌باشد.

فرافکنه‌ی یکی از ساز و کارهای پدافندی (دفاعی) در برای تغییر به شمار می‌رود، در این محتوی
خواسته و انگیزه‌های ناپذیرپنی که بازشاخخت آنها در «خدوع» ممکن است نتیجه‌ی اصلی
به دیگران نسبت داده می‌شود. در این پدافندی به طور کامل در جهت عکس‌برداری فکنی
می‌باشد. و اساس آن از این طریق است که یکی می‌کوشد تمایلات نامناسب و نابنده خوش‌ش را به

www.SID.ir
فصل نهم اورمزد، شماره 27، تابستان 1398

دهد و در نتیجه خود را عاری از هر گونه عیب و نقص بداند و خود را از احساس گناه بردهان با یا وسیله فرد در مورد دیگران با مقایسه خویش فضاوت می‌کند.

فرافکنی عبارت است از تماشای سیستم داده‌ی چنین در وسیله‌ی می‌گذرد به دیگران با محیط. فرافکنی فرد را در مقابل اضطراب حفظ می‌کند، اضطرابی که در اثر افزایش ها و نقص‌ها ممکن است به وجود آید و برجسته کردن و اغراق آمیز کردن صفات شخصیتی منفی در دیگران، از اضطراب می‌کاهد (کتابی، 1391:168).

با بیان این نکته از رواج‌یافتن دوستی روشی می‌گردد که این نوباتی های او ریشه در روح پریشان و ناراحتی وی دارد، اینکه هم نمی‌خواهد او را شعار بیانند و لی چنین در واقع می‌بیند این است که در جوار شاعرانی قرار دارد که غم نان دارند، ار ادامه شعراً خود نیازمند به نیرو و اعتamaño به نفس است که با توجه به روحی منظم خود قادر نیست به تنها در خود اجادید کنن بلکه این امر وابسته به مسائل بیرضوی می‌باشد.

بنابراین با به‌جویی که بر شعر و شاعر می‌برد در واقع می‌خواهد به علوم انتقادی کامیاب های خود را بگیرد که با اندیشهای می‌توان حق را از داد زیرا با تلاش باریک و موشک‌افسانه در این واقعیت ها آن هچ مشهور می‌باشد، جهتی منعكس شده‌ی انسانی آرمان‌های همکاری که بدان درجه‌ی اصلی از علم دست یافته ولی به دلیل نیافتن جایگاه اجتماعی که مبنای این امتیاز نیست چه‌گونه دچار سرخوردگی شده است.

"جهان نخواست مرا، بهشت شاعران فرید،
که هیچ عقل نمی‌کرد احتمال است." (نوری، 1376:26)

از این رو به طور دائم به دنبال موضوعی است تا خود را تثبیت کند و با تلقیف داستان‌های علمی خود با شعر می‌خواهد به نوعی داد حکم دانی خود را بسانند به علومی که در جایی از دیوان خود در عذرخواهی از این که در مدت شرب، در کرده بود سخن را به چونی می‌رساند. که صحبتی از مزاج و وقتی بدن و طبعان را ریشه می‌کند و با بیان این سعی دارد با دیگر مزان آگاهی خود را از علمی که بدان احاطه دارد به معرض دید گزارد و در ادامه پس از توضیح درباره‌ی این

www.SID.ir
ماحت می‌گوید باید درک بیشتر این علم باید به دنیای حکمت و دانش رفت گردید. توضیح آن در شعر گنجانده و از این طریق به معنی واقعی آن دست یافت.

راه حکمت رو که در معنی این جنس از علوم
ره به دشواری نتوان برود از طریق شاعری;

(همان: ۶۴۵.)

اتوری در بیان این که پیشی شاعری را چه کسانی بر گردند می‌گوید:

شاعری دانی کمک‌می قوم کردنی آن که‌بود
ابتدالاً الشیق انتهاشان بیورفاس;

(همان: ۴۴۷.)

این زمانی است که اتوری زندگی شاعران را در نظر دارد، شاعران دلخواه او امری القیس و
ابورفاس بودند. که هر دو از اشتری بودند و دارای زندگی سلطنتی و مرغ و بدان سبب از آنها یاد

'(شلیعی کیکی، ۱۳۷۲، ۱۳۰.) راستی به بیورفاس آمد به کار از شاعران
وان به جنس سخن یا از کمال قادری
پس مریخ از گویه‌یت من درگرم تو دیگری;

(توری، ۱۳۶۸، ۲۸.)

در نهایت با یک مقیاسی کلی از وضع شاعران در دوره‌های متعدد به این نتیجه می‌رسیم که در
زمان سامانیان که شرکت پارسی بوده با دلبستگی بیشتر و به واقع حقيقة تیره به پوررودن
شاعران و دانشمندان بیشتری می‌کرده و این امر نمی‌تواند در اخلاق شاعران زمان تاثیر فراوان داشت و
آنالیز به‌طور طبیعی و آزاد مشه می‌ساخته، (فلسفی، ۱۳۸۲، ۲۲۱ جو ۱۳۷۲.)

در حالی که پس از سامانیان، در روزگار فرمانروا گزنویان و سلجوقیان و خوارزم‌شاهیان،
برورش شاعران در هنگام حکومت این سلسله‌ها غالبی کلیدی و دور از مبدل و رنگت و عقیده‌ی
واقعی بود و تنا مداحی و تمام و سنگین اعراق آمیزش شاعرانه می‌توانست مدح واندازه کند
و شاعراً را خزه‌های ایشان نصبی رساند، (فیکی: ۱۳۸۲ جو ۱۳۷۲.)

این عوامل سبب گردید تا از قدرت و منزلت شاعران و همچنین بلند طبع ایشان کم شود و روند
این اوضاع در دوره‌ی سلجوقیان نسبت به گزنویان نمود بیشتری پیدا کند. و گاهی اوقات به جایی
فصل نامه اورمزد، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸

می‌رسید که دیگر شاعران در پی صله و جوان هنگفت نبودند بلکه ملت‌مان خواستار بخششی هر
چند چرخ و ناجی از جمله شراب و پیراهن و کافی خود و خوش و هیزم از جانب ممدود می‌شدند. بنابر
این با نگاهی به زندگی شاعران درباری از آغاز شروع و رونق شعر پارسی تا بدن وقت و
مقابله‌ای در ارتباط با جایگاه شاعر و نحوه زندگی و موقعیت اجتماعی و حتی نوع درخواست
او از ممدود می‌توان گفت که «شعر بند طبع زمان حق داشته‌اند. که بر دوران گذشته شعر و
شاعری افسوس خورده و در روزگار خود شاعری کردند یا نگه شمارند» (همان: ۱۲۸/ج۱). 

منابع و مأخذ

• انوری ایبودی، اوحالدین. (۱۳۷۶)، دیوان انوری، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: نگاه.
• گنجهی، حمزة. (۱۳۹۱)، تربیه‌های شخصیت، تهران: سوالان.
• شفیعی کدکنی، محسن رضا. (۱۳۷۶)، مفسس کمپیوتر، تهران: نسخه.
• فلسفلو، نصرالله. (۱۳۲۱)، مقالات تاریخی و ادبی، به کوشش رضا احمد زادة، تهران: داریوش.
• سعیدی، مصطفی بن عبده‌الله. (۱۳۸۵)، بومستان معدی، بر اساس، به‌ره‌گزاری محمد یونسی، به اعتماد
سید احمد حسینی کازرونی، تهران: ارمغان.
• مشتری، شیخ محمود. (۱۳۸۴)، گلشن راز، تألیف دکتر بهمن سید نظری، تهران: دانشگاه
آزاد اسلامی.

www.SID.ir